



شاعری اکنون سرودی می‌نویسد

به جای من

بر روی بیدبُنِ دوردستِ باد

پس چرا گلِ سرخ در دیوار

برگهایی تازه بر تن می‌کند؟

□

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پسری اکنون کبوتری به پرواز در آوزد

پژوهشگاه جامع علوم انسانی

به جای ما

سوی بالا، سوی سقفِ ابر

پس چرا این برف را جنگل

گرد لبخند چون اشک می‌ریزد؟

□

پرنده‌ای اکنون نامه‌ای با خود می‌برد

به جای ما

به آبی سرزمینِ غزال

پس چرا صیاد به صحنه پای می نهد
تا تیرهای خود را پرتاب کند؟

□

مردی اکنون ماه را می شوید

به جای ما

و بر بلور رود راه می رود

پس چرا رنگ بر زمین می افتد

و چرا ما چون درختان برهنه تن می شویم؟

□

عاشقی اکنون به سان سیل معشوق را با خود می ببرد

به جای من

سوی گِل چشمه های پُر زرفا

پس چرا سرو در اینجا ایستاده است

و در بانی باغ می کند؟

□

شهواری اکنون اسب خود را نگه می دارد

به جای من

و در سایه سندیان می آساید

پس چرا مردگان به سوی ما

از دیواری و گنجه ای بیرون می شوند؟ م انسانی و مطالعات فریبگی

پرتال جامع علوم انسانی